

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

مجلس را مصلوب الاختیار کردید و نگران گرسنگی مردم اید

بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی در نامه سرگشاده به قالیباف نوشت: چگونه است که علی‌رغم پیش‌بینی‌های حقوقی و مجوز صریح کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس در ماه‌های پیش از تظاهرات جاری جهت انعقاد جلسات در مکانی خارج از صحن بهارستان، جنابعالی هیچ تمهید و تدبیری برای پایداری و اثربخشی بیشتر نهاد قانون‌گذاری در چنین شرایط حساسی نیندیشیدید؟ جای حیرت است که در روزهای نیاز مبرم کشور به قانون‌گذاری هوشمندانه، به همین برگزاری کم‌رنگ و نیمه‌تشریفاتی جلسات رضایت داده‌اید!

۳



اجلاس همکاری‌های شانگهای ضمن حمایت از تمامیت ارضی ایران خواستار پایان دادن به جنگ افروزی علیه کشورمان شد

میراث دیپلماسی رئیسی

۷



بررسی ماجرای ارزش‌های نیست؟

خزانه‌ای که خالی نیست

۴

دیدن صداوسیما یک افتخار است

پاسخ جبلی به هجمه‌ها

۳



راز علاقه عجیب پزشک‌ها به علی‌اف

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

صفحه ۲

سیاسی

حمایت ۷۵ درصدی از پاسخ موشکی

خطای محاسباتی و ضعف‌نمایی برخی از مسئولان کشورمان، منجر به برداشت‌های اشتباه و غلط دشمن آمریکایی-صهیونیستی شده است اما نتایج اخیر نظرسنجی مرکز تحلیل اجتماعی (متا) حاکی از پشتیبانی ۷۵ درصدی مردم از میدان است.

صفحه ۵

اقتصادی

غارث نفت ونزوئلا با نسخه «توافق»

درست در روزهایی که عده‌ای در ایران، راه نجات اقتصاد کشور را در تفاهم با آمریکا عنوان می‌کنند، ونزوئلا، بزرگ‌ترین دارنده ذخایر نفت در جهان، به تازگی قراردادی بلندمدت با آمریکا بسته که بر اساس آن، عملاً تمام اختیار ذخایر نفتی خود را واگذار کرده است.

یکی از مسائلی که طی هفته‌های اخیر توجه و نگرانی افکار عمومی ایران را به خود جلب کرده، سطح و نوع روابط مسعود پزشکیان و خانواده او با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، است؛ روابطی که صرفاً در چارچوب مناسبات رسمی دودولت باقی نمانده و در مواردی چنان رنگ خانوادگی و شخصی گرفته که با عرف معمول روابط رؤسای جمهور با سران کشورهای دیگر فاصله محسوسی پیدا کرده است.

متن کامل در صفحه ۷

نتایج نظرسنجی مرکز تحلیل اجتماعی (متا) حاکی از افزایش حمایت میدانی مردم از حفظ مولفه‌های قدرت کشورمان است

حمایت ۷۵ درصدی از پاسخ موشکی

شده است و این موضوع نیز در فضای روانی و ترویج ناامیدی در جامعه اثر گذاشته است. نتایج اخیر نظرسنجی مرکز تحلیل اجتماعی (متا) حاکی از پشتیبانی ۷۵ درصدی مردم از میدان، نیروهای مسلح و حفظ مولفه‌های راهبردی قدرت ایران است.

در شرایطی که خطای محاسباتی و ضعیف‌نمایی برخی از مسئولان ارشد کشورمان، منجر به برداشت‌های اشتباه و غلط دشمن آمریکایی-صهیونیستی از تاب‌آوری و قدرت بالای سرمایه اجتماعی-مردمی کشورمان در ایستادگی و مقاومت در برابر خواسته‌های استکباری



بهترین گزینه برای مدیریت تنگه هرمز

همچنین در این پیمایش پرسش دیگری درباره دیدگاه مردم در مورد بهترین گزینه برای مدیریت تنگه هرمز مطرح شده است. و نتایج نشان می‌دهد که ۵۰٫۱ درصد از مردم با گزاره مدیریت مشترک ایران و عمان بر تنگه هرمز که بدین شرح است: «ایران باید با توجه به قوانین بین‌المللی با همکاری کشور عمان که در سوی دیگر تنگه قرار دارد، به صورت مشترک مدیریت تنگه هرمز را بر عهده بگیرند.» موافقت کرده‌اند. ایران باید بدون توجه به قوانین بین‌المللی به تنهایی مدیریت تنگه هرمز را بر عهده بگیرد و کشور دیگری در این زمینه نقشی نداشته باشد. همچنین ۳۷٫۱ درصد از مردم به مدیریت انحصاری ایران بر تنگه هرمز تاکید داشتند و تنها ۱۲٫۸ درصد از مردم معتقد به عبور و مرور تنگه هرمز به شیوه گذشته بودند.

علاوه بر این مطابق نتایج این نظرسنجی، ۵۹ درصد از مردم معتقدند که شدت پاسخ‌های نظامی باید نسبت به سطح فعلی افزایش یابد.

نظرسنجی اخیر متا است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که تشدید فشارهای اقتصادی دشمن آمریکایی نه تنها تأثیری بر کاهش تاب‌آوری و پشتیبانی سرمایه اجتماعی مردم نداشته است بلکه منجر به تشدید تاکید مردم بر حفظ اهرم‌های راهبردی کشورمان از جمله حفظ تنگه هرمز و قدرت موشکی ایران شده است. موضوعی که اخیراً با ضعیف‌نمایی و پالس ضعف برخی از مسئولان ارشد به خارج از مرزهای کشور منجر به عدم اصلاح محاسبات دشمن نسبت به قدرت اجتماعی ایران شده بود.

از جمله اینکه روز گذشته وزیر خزانه‌داری آمریکا در مصاحبه‌ای گفته است: «مقامات ایران به طور آشکار از وضعیت اقتصادی کشورشان گلایه می‌کنند!» اظهاراتی که نشان دهنده این موضوع است که نخبگان فکری دشمن به این گمان هستند که با ادامه حملات و تشدید فشارهای اقتصادی می‌توانند به خواسته‌های خود به واسطه تاب‌آوری پایین مردم ایران برسند.

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

روز گذشته مرکز تحلیل اجتماعی (متا) نتایج یک نظرسنجی ملی را منتشر کرد که دیدگاه مردم بالای ۱۸ سال کشورمان را درباره شدت پاسخ‌های نظامی، حملات موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکا و مدیریت تنگه هرمز بررسی کرده است. مطابق نتایج این نظرسنجی ۷۵ درصد از مردم کشورمان با حملات موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکا در پاسخ به حملات آمریکا به جنوب و برخی شهرهای کشورمان موافق‌اند. در این پیمایش که با جامعه‌آماری ۸۰۰ نفری تهیه شده است. ۷۵ درصد از مردم در پاسخ به اعلام موافقت یا مخالفت با گزاره «ایران باید کنترل خود بر تنگه هرمز را حفظ کند، حتی اگر این کار به شروع جنگ مجدد منجر شود» موافق خود را اعلام کردند. این آمار نشان دهنده افزایش حدود ۸ درصدی حمایت از حفظ کنترل ایران بر تنگه هرمز در فاصله زمانی بین دو موج

ناراضیتی ۶۸

درصد مردم

آمریکا از مدیریت

جنگ ترامپ

از سوی دیگر نظرسنجی جدید دانشگاه ماساچوست امهرست نشان می‌دهد، ۶۸ درصد آمریکایی‌ها از عملکرد ترامپ در مدیریت جنگ با ایران ناراضی‌اند. بر اساس این نظرسنجی ۵۵ درصد نیز این جنگ را اشتباه می‌دانند و ۸۰ درصد معتقدند جنگ با ایران موجب افزایش قیمت مواد غذایی و بنزین و در مجموع افزایش تورم شده است. در این نظرسنجی، تنها ۲۳ درصد معتقدند جنگ، آمریکا را امن‌تر کرده و فقط ۳۱ درصد بر این باورند که این جنگ مانع دستیابی دیگر منافذات جهانی ابراز نگرانی کرده‌اند.

یادداشت

تأملی در حکمرانی و مسئولیت‌گفتار

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون رئیس‌جمهور شهید در دولت سیزدهم

در حکمرانی، سخن گفتن یک امر شخصی نیست. هر چه جایگاه فرد بالاتر باشد، کلمات او آثار گسترده‌تری بر جامعه می‌گذارد. سخن یک مسئول، مشاور، سیاستمدار یا چهره رسانه‌ای ممکن است بر افکار عمومی، اعتماد مردم، وحدت جامعه و حتی امنیت ملی اثر بگذارد. از این رو، «مسئولیت‌گفتار» بخشی جدایی‌ناپذیر از مسئولیت حکمرانی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»؛ «سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان زیر زبانش خفته پنهان است.» همچنین می‌فرمایند: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ»؛ «هیچ کس چیزی را در درون خود پنهان نمی‌کند مگر آنکه در لغزش‌های زبان و سیمای چهره‌اش آشکار می‌شود.»

این همان مفهوم «فَلَتَاتِ لِسَان» است؛ سخنانی که گاه بدون تأمل و کنترل کامل بر زبان جاری می‌شوند و ممکن است بخشی از آنچه در ذهن و ضمیر انسان است آشکار کنند.

البته انصاف اقتضا می‌کند که یک جمله منفرد را دلیل قطعی بر نیت و باور یک انسان ندانیم. ممکن است کسی اشتباه کند یا نتواند مقصود خود را درست منتقل کند. اما نمی‌توان هرسخن جنجال‌برانگیز را صرفاً با برچسب بدفهمی مردم یا غرض‌ورزی منتقدان از دستور کار خارج کرد.

اگر سخنی مبهم است، باید از گوینده پرسید چرا چنین مبهم سخن گفته است؛ و اگر سخنی روشن است اما پیام‌های آن محل اعتراض است، باید مسئولیت آن را پذیرفت.

مردم حق دارند سخنان صاحبان قدرت و تربیون را بشنوند، تحلیل کنند، درباره آن سؤال کنند و حتی نسبت به آن اعتراض داشته باشند. نقد یک سخن، الزاماً حمله به گوینده نیست. کسی که در جایگاه عمومی سخن می‌گوید، نمی‌تواند فقط حق سخن گفتن را برای خود محفوظ بدارد و مسئولیت پاسخگویی به سخن را نادیده بگیرد.

حکمرانی و ضرورت مراقبت از کلمات

این مسئله در شرایطی که کشور به وحدت و انسجام ملی نیاز دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. رهبر انقلاب بارها بر ضرورت حفظ وحدت، انسجام ملی، پرهیز از دو قطبی‌سازی و جلوگیری از ایجاد شکاف در جامعه تأکید کرده‌اند. بنابراین هرکس که در ساختار حکمرانی، مشاورت، سیاست‌گذاری، رسانه یا تحلیل سیاسی دارای تربیون و اثرگذاری است، باید بیش از دیگران مراقب سخن خود باشد.

وحدت ملی فقط با دعوت مردم به وحدت ساخته نمی‌شود؛ با مسئولانه سخن گفتن مسئولان نیز ساخته می‌شود. اگر سخنی می‌تواند موجب سوء برداشت گسترده، تشویش افکار عمومی یا ایجاد شکاف اجتماعی شود، باید پیش از بیان، درباره آن تأمل کرد. واگیر بیان شد و جامعه نسبت به آن واکنش نشان داد، راه درست، توضیح روشن و مسئولانه است؛ نه متهم کردن منتقدان به سوء نیت.

این سخن به معنای نفی آزادی بیان یا ممنوعیت نقد آن هم مسئول حق سخن گفتن دارد و هم مردم حق پرسیدن و نقد کردن. مسئولیت گوینده این است که روشن، دقیق و سنجیده سخن بگوید؛ مسئولیت جامعه نیز این است که منصفانه بشنود و شتاب‌زده قضاوت نکند.

اما وقتی یک سخن گفته شد، نمی‌توان از مردم انتظار داشت که آن را نشنیده بگیرند. سخن، پس از خروج از دهان گوینده، وارد عرصه عمومی می‌شود و جامعه حق دارد درباره آن داوری و پرسش کند.

از همین رو، خطاب به صاحبان مسئولیت و تربیون باید گفت: اگر سخن می‌گویید، روشن و دقیق بگویید. اگر موضعی دارید، شجاعانه و مسئولانه بیان کنید. اگر اشتباه کرده‌اید، اصلاح کنید و اگر سخن‌تان ابهام ایجاد کرده، توضیح دهید. اما منتقدان را صرفاً به دلیل آنکه سخن شما را جدی گرفته‌اند، متهم به بدفهمی و غرض‌ورزی نکنید.

در مکتب علوی: «تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا»؛ سخن بگویند تا شناخته شوید. سخن گفتن، حق است؛ اما مسئولیت سخن نیز بر عهده گوینده است.

«تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد.»

گفتمان

بهادری جهرمی: تجمعات شبانه باطل السحر عملیات روانی دشمن است



سخت‌گوی دولت سیزدهم با حضور در تجمعات شبانه مردمی، با گلایه از اینکه چرا عده‌ای مدام ابزار ناراحتی می‌کنند و به دنبال تضعیف تجمعات شبانه با بهانه‌هایی همچون «مردم خسته می‌شوند»، «تا کجا ادامه دهیم این تجمعات را؟» و «تجمعات عامل ترافیک هستند» برآمده‌اند. اظهار داشت: «این افراد در پی آن هستند که با اختلاف‌افکنی میان مردم، خیابان‌ها را خلوت و میدانی را از شور و حرارت خالی کنند تا در نهایت بگویند دیگر کافی است، خبری نیست و باید تعطیل کنیم.» بهادری جهرمی با «باطل‌السحر» خواندن تجمعات شبانه، افزود: «این تجمعات، تیر و خاری در چشم کسانی است که می‌خواهند خیابان‌ها و میدانی خالی شود.» وی تصریح کرد: «هزاران بار مسئولان ما بگویند که ما مردم سالار هستیم، اثر یک شب چنین تجمعاتی در سراسر کشور ندارد.» جهرمی تأکید کرد: «این تجمعات با دنیا حرف می‌زند و این پیام را مخابره می‌کند که نظام جمهوری اسلامی ایران، یک نظام مردمی است. این دقیقاً کلام امام عزیز ما بود که فرمودند: «جمهوریت ما عین اسلامیت ما عین جمهوریت ماست.» مردم سالاری دینی ما همین است؛ یعنی مردم پرچم کشورمان را بالا می‌گیرند و می‌گویند که ما استقلال، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم می‌خواهیم و پای هزینه دادن آن نیز هستیم.» بهادری جهرمی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «مراقب باشیم ما را در حضور در میدانی سست نکنند؛ چرا که این تجمعات، یک جهاد جمعی از هر جهت در ساختار نظام است و هر کس که به دنبال شل کردن تجمعات باشد، در واقع ریشه را می‌زند.» جهرمی تصریح نمود: «ما باید بتوانیم تا مظاهری که ریشه‌های مردم سالاری ما را تقویت می‌کند، توسعه دهیم؛ خیابان به برکت خون امام شهید، شهدا، ایستادگی و مقاومت مردم و فرماندهان نظامی در دست ما افتاد و این سنگ را نباید از دست بدهیم. همان‌گونه که فرمانده نظامی در تنگه هرمز می‌گوید "به عقب بر نمی‌گردیم". در خیابان نیز به عقب باز نخواهیم گشت.»

پاسخ طراح طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» به انتقادات و ابهامات



روز گذشته روح‌نجات عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و طراح طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» به ابهامات مطرح شده درباره این طرح پاسخ داد. از جمله اینکه وزیر علوم درباره طرح

نفوذ گفته است: «طرح نفوذ منجر به نوعی خود تحریمی و تسریع افت رتبه علمی ایران می‌شود». در همین راستا و در پاسخ به منتقدان روح‌نجات اظهار داشت: عمده منتقدان، گزارش کمیسیون امنیت ملی که مبنای بررسی این طرح در صحن علنی مجلس است را مطالعه نکرده‌اند.

بسیاری از منتقدان، طرح ۱۹ ماده‌ای اولیه را مبنای اظهار نظر قرار داده‌اند، در حالی که گزارش کمیسیون ۳۳ ماده است و طرح از ۱۹ ماده به ۳۳ ماده ارتقا یافته و بسیاری از ایرادات طرح ابتدایی برطرف شده است. انتقادات را به دیده منت می‌پذیریم، مشروط بر اینکه نقدها ناظر به بند و ماده مشخص باشند نه مخالفت کلی و بدون استدلال. در جلسات با منتقدان، فعالان رسانه‌ای و نخبگان، با بررسی بند به بند طرح، بسیاری

درواکتش به هجمه‌های اخیر برخی جریانات، رئیس صداوسیما تاکید کرد دیدن صداوسیما یک افتخار است و باعث تکدر کسی نیست

پاسخ جبلی به هجمه‌ها

انتشار بخشی کوتاه از جلسه محرمانه هیات دولت و انتقاد تند مسعود پزشکیان به رئیس صداوسیما با ادبیاتی نامتعارف حاشیه‌ساز شد. بسیاری این اقدام دفتر رئیس‌جمهور را مصداق وحدت شکنی و خلاف دستورات و منویات اخیر رهبر معظم انقلاب خواندند و برخی نیز نسبت به نقش‌آفرینی برخی عناصر مشکوک در انتشار این بخش از سخنان رئیس‌جمهور هشدار دادند. سخنان اخیر پزشکیان علیه صداوسیما چند روز پس از آن منتشر شد که قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز اخیراً با تعبیر تندی به صداوسیما تاخته بود. در این شرایط، پاسخ کنایه‌ای و غیرمستقیم جبلی رئیس صداوسیما به فضا سازی‌های اخیر علیه رسانه ملی قابل توجه بود.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

گفت: این سخنان اشاره‌ای بود به زحمات، تلاش‌ها و مجاهدت‌های همکارانمان در رسانه ملی که بعد از یک دوره بسیار پیچیده، حساس و سخت، دو جنگ اخیر، از جان و مال و خانواده و تمام آنچه که دارند گذشتند تا بتوانند صدای حقیقت باشند و روایت قدرت و اقتدار ملت ایران را داشته باشند. او همچنین گفت: به هیچ وجه عرض من متوجه فرد خاصی یا مسئول خاصی در کشور نبود.

رئیس صداوسیما ادامه داد: این صرفاً به عنوان یک یادآوری، قداست کار رسانه ملی بود که در این یک سال و نیم اخیر پرچم اقتدار کشور را برافراشته نگه داشته و افتخار‌آفرین بوده است.

جبلی در ادامه، حملات و انتقادهای دشمنان از عملکرد رسانه ملی را نشانه اثرگذاری این رسانه دانست و گفت رسانه‌های ملی و انقلابی کشور، از جمله صداوسیما، در روایت قدرت و اقتدار ایران نقش مهمی داشته‌اند. او با اشاره به واکنش‌های اخیر رئیس‌جمهور آمریکا نیز اظهار کرد که دشمن به خوبی اهمیت رسانه را درک کرده و رسانه‌های ایران را یکی از نقاط اثرگذار در میدان رویارویی می‌داند.

موج قدردانی‌ها از صداوسیما

درواکتش به هجمه‌سنگین عناصر ضدانقلاب و برخی جریانات داخلی، برخی شخصیت‌ها و مسئولان در مقام دفاع از رسانه ملی برآمدند. در این راستا و چند روز پس از نامه مهم سردار وحیدی

از مخالفان پس از آگاهی از جزئیات، رویکرد خود را تغییر داده‌اند. قبلاً اگر یک پژوهشگر، رسانه‌ای یا اندیشکده با نهادی خارجی ارتباط برقرار می‌کرد و بعدها مشخص می‌شد آن نهاد وابسته به سرویس‌های متخاصم بوده، فرد پژوهشگر متهم اصلی می‌شد. نمی‌توان مردم یا نخبگان را به خاطر چیزی که از آن آگاهی نداشته‌اند متهم کرد. با ایجاد سامانه و سازوکار اعلام رسمی، صرف‌ثبت ارتباط، مسئولیت بررسی و استعلام را بر عهده دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی می‌گذارد؛ یعنی شهروند یا پژوهشگر نباید تاوان عدم شناخت طرف خارجی را بدهد. با ضابطه‌مند شدن این حوزه، افراد و پژوهشگرانی که فعالیت‌های علمی و پژوهشی مشروع دارند، در معرض اتهامات یا برخوردهای سلیقه‌ای قرار نخواهند گرفت.



انتقاد ایزدی از پزشک‌یان

فواد ایزدی کارشناس مسائل بین‌الملل نوشت: سخنان دکتر پزشکیان درباره صداوسیما بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی داشت. این یک نمونه: مجری رئیس‌جمهور شما گفته تلویزیون ایران را نمی‌بیند و از پوشش خبری آن راضی نیست. پاسخ بنده: بله، نوع حکومت ایران جمهوری است و در این نوع حکومت‌ها رسانه‌ها معمولاً منتقد دولتمردان هستند. در نظام‌های جمهوری نقد دولتمردان وظیفه رسانه است... و برای مخاطب خارجی بیش از این هم نمی‌شد گفت. جناب آقای دکتر پزشکیان، فرمایشات حضرتعالی به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شود.

گزارش کوتاه

نامه سرگشاده بسیج دانشجویی شهید بهشتی به قالیباف:

مجلس را مسلوب‌ال اختیار کردید

و نگران گرسنگی مردم‌اید

روز گذشته بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی در نامه‌ای سرگشاده به قالیباف انتقاداتی را مطرح کرد. بخشی از مهم‌ترین مفاد نامه به شرح زیر است:

۱. بازتولید دوگانه کاذب مقاومت و توسعه جناب‌عالی در سفر اخیر خود به بغداد، گزاره‌ای را بر زبان آوردید که نه با مبانی معرفتی انقلاب اسلامی سازگار بود و نه با عقلانیت سیاسی متناسب با بزنگاه‌های برون‌مرزی. سخن گفتن از «بی‌ثمر بودن اقتدار نظامی در شرایط عصر» و «گرسنگی مردم»، اگرچه در نگاه نخست صبیحه‌ای از شفقت بر معیشت خلق دارد، اما در نگاهی ژرف‌تر، تن دادن به همان دوگانه‌های منسوخ و واهی «توسعه در برابر مقاومت» است!

توان دفاعی کشور، رقیب رفاه و گشایش اقتصادی نیست، بلکه خاستگاه و تکیه‌گاه آن است. با کدام منطق مبتنی بر حکمت، تکیه‌گاه امنیت را در کفه مقابل نان و تدبیر زندگی مردم قرار دادید؟ مردم نمی‌خواهند شما را در ادامه آن شجره ناپاک سیاسی ببینند که سال‌ها کشور را با همین دوگانه‌های دروغین به عقب راندند؛ هم بر مقاومت زخم زدند و هم توسعه را از آینده این کشور دریغ کردند.

۲. تعطیلی عملیاتی و انفعال ساختاری مجلس چگونه است که علی‌رغم پیش‌بینی‌های حقوقی و مجوز صریح کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس در ماه‌های پیش از تلاطمات جاری جهت انعقاد جلسات در مکانی خارج از صحن بهارستان، جناب‌عالی هیچ تمهید و تدبیری برای پایداری و اثربخشی بیشتر نهاد قانون‌گذاری در چنین شرایط حساسی نیندیشیدید؟

جای حیرت است که در روزهای نیاز مبرم کشور به قانون‌گذاری هوشمندانه، به همین برگزاری کم‌رنگ و نیمه‌تشریفاتی جلسات رضایت داده‌اید! حتی اگر برگزاری مجازی جلسات را که البته در قانون به عنوان آخرین راه پیش‌بینی شده بپذیریم، چرا با وجود تعطیلی چندماهه و تراکم عقب‌ماندگی‌های تقنینی در کشور، هیچ عزمی برای افزایش تعداد جلسات مجازی دیده نمی‌شود و حتی با لغو مکرر آنها مواجه هستیم؟

۳. از شعار «نفی رئیس‌سالاری» تا مسلوب‌ال اختیار ساختن نمایندگان

شما روزی با تقد‌های تند بر الگوهای مدیریت گذشته در مجلس، از ضرورت برچیدن ساختار «ریاست‌محور» مجلس و پایان دادن به بدعت «نماینده و نماینده‌تر» سخن می‌گفتید و خواستار بازگرداندن اقتدار به بدنه ۲۹۰ نفره نمایندگان بودید. اما امروز کارنامه مدیریت شما بر صندلی ریاست، تصویر معکوس و دردناکی از همین شعارها و وعده‌هاست! شما نه تنها آن ساختار تمرکزگرا را اصلاح نکردید، بلکه با تعمیق انحصارگری در ریاست مجلس، شأن و هویت نمایندگی را به نازل‌ترین سطح ممکن تنزل دادید.

۴. ریاست بر چه چیزی؟ فراموش نکنید که جایگاه رئیس مجلس، هویتی مستقل و قائم به ذات از باقی نمایندگان ندارد. آیا «بازگرداندن مجلس به مردم و نمایندگان» همین بود که نمایندگان مردم را در تصمیمات کلان کشور این چنین مسلوب‌ال اختیار سازید؟ وقتی مرجعیت صحن و حیات معنایی مجلس را این چنین از حیز انتفاع ساقط کرده‌اید، دقیقاً بر چه چیزی ریاست می‌کنید؟ آیا مگر مجلسی باقی گذاشته‌اید که بر آن ریاست کنید؟

۵. رئیس مجلس در بغداد و غفلت از نظارت بر معیشت در تهران رئیس مجلسی که در بغداد از دغدغه معیشت مردم و ضرورت توجه به رشد اقتصادی سخن می‌گوید، در تهران نهادی را اداره می‌کند که مهم‌ترین ابزار قانونی برای تنظیم اقتصاد، نظارت بر دولت و پاسخ به مطالبات معیشتی مردم است. حیفاً اگر نگران گرسنگی مردم شریف هستید، نیم‌نگاهی بر عملکرد چندساله خود در مجلس بیاندازید و این پرسش‌ها را از کارنامه خود آغاز کنید.

روزپرنوسان بورس در نبرد خریداران و فروشندگان



بازار سهام در معاملات دیروز، سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۵، روزی متفاوت و پرنوسان را پشت سر گذاشت؛ بازاری که در آغاز معاملات با قدرت‌نمایی خریداران و سبزپوشی ۸۶ درصد نمادها همراه بود، اما در ادامه، تحت تأثیر اختلال در هسته معاملات و فشار عرضه، بخش قابل توجهی از رشد خود را از دست داد. با وجود این، شاخص کل بورس در پایان دادوستدها ۳۵ هزار و ۹۶۸ واحد، معادل ۰.۵۵ درصد، افزایش یافت و در ارتفاع ۶ میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۳۲ واحد ایستاد. شاخص کل در میانه معاملات تا ۶ میلیون و ۶۹۹ هزار واحد هم پیشروی کرده بود و رشد آن به بیش از ۱۵۱ هزار واحد رسیده بود، اما با فشار فروشندگان، بخش عمده‌ای از این رشد را از دست داد. به این ترتیب، بازار تنها فاصله اندکی با فتح کانال ۶.۷

می‌شود. پیش از این، در ۱۸ مرداد، ارزش معاملات خرد به محدوده ۶۶ هزار میلیارد تومان رسیده بود. با این حال، ثبت خروج ۴ هزار و ۱۹۲ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام و صندوق‌های سهامی، نشان‌دهنده احتیاط سرمایه‌گذاران در برابر افزایش ریسک معاملات بود. در جریان معاملات دیروز، منحنی شاخص ۲۵ صنعت با افزایش همراه شد و میانگین رشد شاخص صنایع فعال بازار سهام در مبادلات دیروز به ۰.۰۶ درصد رسید. صنعت هتل و رستوران بیشترین رشد روزانه را به ثبت رساند و پس از آن، صنایع حمل‌ونقل، بیمه و بانزست‌گی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در مقابل، صنایع فنی و مهندسی، خرده‌فروشی و محصولات کاغذی بیشترین کاهش روزانه را تجربه کردند.

نوبند ماجرای «ارز هست یا نیست؟» را بررسی کرد؛

خزانه‌ای که خالی نیست

دلار در بازار غیررسمی همچنان روند صعودی دارد و یار دیگر به مرزهای تازه‌ای نزدیک شده و قیمت آن دیروز به حوالی ۲۱۴ هزار تومان رسید. در شرایطی که جریان رسانه‌ای حامی دولت تلاش دارد ریشه تمامی تلاطمات و گرانی‌های لجام‌گسیخته را به فشارهای آمریکا و لفاظی‌های دونالد ترامپ و وزیر خزانة‌داری‌اش پیوند بزند، شواهد میدانی و آمار رسمی گویای واقعیتی تلخ و نگران‌کننده است؛ روایتی که این بار نه پالس‌های بیرونی، بلکه اظهارات شتاب‌زده، متناقض و آکنده از ترس افکنی مسئولان دولت چهاردهم و بانک مرکزی است که شوک تورمی را به جان اقتصاد کشور انداخته و فنر دلار را کرده است.

پی اظهارات تهاجمی اسکات بسنت، وزیر خزانة‌داری آمریکا که مدعی شده بود ایران منزوی شده و منابعش قطع است، همتی در واکنشی تند گفت: «ارز داریم، خیلی هم زیاد داریم. آمریکایی‌ها هر روز می‌گویند هر هفته یک تحریم اعلام می‌کنیم، خب بکنند! ما هم داریم کار خودمان را انجام می‌دهیم؛ سیستم اقتصادی کشور که بیکار نشسته است.» رئیس‌کل بانک مرکزی افزود: «خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا می‌گویم که ایران ارز دارد و به‌قدر کافی هم دارد. ذخایر مسدود نشده، منابع پایدار و درآمد‌های نفتی و غیرنفتی متعددی در دسترس بانک مرکزی قرار دارد. از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۱۸ میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی، دارو و مواد اولیه پرداخت شده است. هفته گذشته تخصیص ۵۰۰ میلیون دلار به بازار عملیاتی شد و اکنون نیز به‌شکل رسمی اعلام می‌کنم که بانک مرکزی آمادگی دارد تا سقف ۲ میلیارد دلار ارز را برای مدیریت بازار تزریق کند.»

ناکارآمدی مدیریتی پشت نقاب تحریم

اعترافات رئیس بانک مرکزی دولت چهاردهم و ارقام رسمی اعلام‌شده از مازاد تجاری ۲۷ میلیارد دلاری و جهش ۶۶ درصدی واردات خودرو، فرضیه «خزانه خالی» و «فقدان ارز» را به‌طور کامل باطل کرد. دلار نه به دلیل نبودن نفت و درآمد ارزی، بلکه به دلیل ضعف فاحش در حکمرانی ارزی، ارسال سیگنال‌های انفعالی به فعالان بازار و تاخیر در بازگرداندن ارزهای صادراتی به کانال ۲۱۴ هزار تومان رسیده است.

بخش مهمی از قیمت دلار محصول انتظارات است. وقتی فعال اقتصادی تصور کند منابع ارزی در آینده محدودتر خواهد شد، خرید ارز امروز برای او به یک تصمیم دفاعی تبدیل می‌شود. همین رفتار می‌تواند فشار تقاضا را بیشتر کند.

دولت چهاردهم نمی‌تواند هم‌زمان از «بی‌پولی» بگوید و مجوز رشد واردات خودرو را صادر کند؛ از «نا توانایی در کنترل بازار» ناله کند و بعد از وجود ذخایر انبوه نفتی و غیرنفتی و توانایی تزریق ۲ میلیارد دلاری سخن بگوید. تا زمانی که آشفتگی از مازاد و رفتار مدیران اقتصادی حاکم باشد و سیاست‌گذار به جای روان‌سازی چرخه تجاری، خود عامل ترویج هراس در بازار شود، پرواز دلار مهار نخواهد شد و تاوان این سوء مدیریت مستقیماً از جیب و معیشت مردم پرداخت می‌شود.

میلیون واحد داشت، اما افزایش شدید عرضه‌ها مانع از تثبیت این سطح شد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۳ هزار و ۶۷۱ واحدی، معادل ۰.۲ درصد، در ارتفاع یک میلیون و ۸۲۵ هزار و ۴۳۹ واحد قرار گرفت. اختلال در هسته معاملات از مهم‌ترین اتفاقات دیروز بود. این رخداد موجی از نگرانی و عرضه‌های هیجانی را در میان معامله‌گران ایجاد کرد و موجب شد بازاری که در ابتدای روز شرایطی کاملاً صعودی داشت، در پایان با افت قیمت ۷۱ درصد نمادها مواجه شود. در پایان معاملات، ۲۴۵ نماد مثبت و ۶۱۰ نماد منفی بودند.

ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۶۰ هزار و ۳۷ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که دومین رکورد تاریخی این متغیر در بازار سهام محسوب



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

در طول هفته‌های گذشته، مسعود پزشک‌یان رئیس دولت چهاردهم در چند نوبت صراحتاً از ناترازی ارزی و کمبود منابع سخن گفت. رئیس‌جمهور با بیان اینکه «دخل و خروجان به هم نمی‌خورد؛ باید ارز را کنترل کنیم و کالاهای غیرضروری را وارد نکنیم»، پیامی نگران‌کننده به فعالان اقتصادی داد. پزشک‌یان تأکید کرد: اگر جلوی تقاضای ارز را نگیریم، قیمت دلار بالا می‌رود... در نتیجه نرخ ارز می‌تواند به ارقامی بسیار بالاتر از ارقام فعلی برسد. او در گفت‌وگوی تلویزیونی خود نیز ریشه افزایش نرخ ارز را در فاصله میان عرضه و تقاضا عنوان کرد. این موضع‌گیری‌های انفعالی که عملاً تأیید گرانی دلار از تریبون دولت تلقی می‌شد، موتور انتظارات تورمی را روشن کرد. اما سوال اساسی اینجاست که اگر کشور با کمبود ارز مواجه است، منابع لازم برای واردات اقلام غیرضروری از کجا تأمین می‌شود؟

جهش واردات خودرو در روزهای «بی‌پولی»!

گزارش‌های گمرک نشان می‌دهد واردات خودرو رشدی شگفت‌انگیز را تجربه کرده است. طبق آمار، در پنج ماهه نخست امسال، حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو به ارزش ۶۹۳ میلیون دلار وارد کشور شده است. این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته، تنها ۱۹ هزار دستگاه خودرو به ارزش ۴۱۶ میلیون دلار وارد شده بود. به بیانی ساده‌تر، ارزش واردات خودرو رشدی معادل ۶۶ درصد (افزایش ۲۷۷ میلیون دلاری) را ثبت کرده است. همچنین در حالی که ثبت سفارش مواد اولیه خطوط تولید و حتی گوشی‌های همراه با سدهای ارزی متوقف مانده، عزت‌آفرینی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، اعلام کرد: «ارز مورد نیاز تولید و واردات خودرو تأمین شده است تا روند واردات با وقفه‌ای روبرو نشود و ثبت سفارش خودروهای وارداتی همچنان ادامه دارد.» چطور ممکن است طبق گفته رئیس دولت، کشور با کسری شدید ارزی روبرو است اما صدها میلیون دلار صرف واردات کالای مصرفی همچون خودرو می‌شود.



هزینه تصمیم‌های ارزی بردوش مردم

جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به سران قوا درباره عملکرد عبدالناصر همتی در بانک مرکزی و وضعیت بازار ارز نوشتند: افزایش نرخ ارز فقط یک تغییر عددی روی تابلوهای صرافی‌ها نیست. وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، اثر آن خیلی زود به قیمت کالاها و خدمات منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، طبیعی است که مردم برای حفظ ارزش پس‌انداز خود به خرید طلا و ارز روی بیاورند. نمی‌توان نوسانات شدید و تکرارشونده بازار ارز را صرفاً ناشی از عوامل خارجی، فضای روانی بازار یا فعالیت سوداگران دانست. مردم نباید هزینه تصمیم‌های نادرست، تأخیر در انجام اصلاحات یا بنود هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی را بپردازند.

موج خبر

پایان بلا تکلیفی پیش‌فروش خودرو؛ تغییر قراردادها ممنوع شد

ماجرای پیش‌فروش خودرو طی ماه‌های اخیر با یک ابهام حقوقی جدی گره خورد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری چندی پیش و و در پی شکایت خودروسازان، مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت را ابطال کرده بود؛ مصوبه‌ای که بخشی از قواعد حاکم بر قراردادهای پیش‌فروش خودرو و نحوه محاسبه قیمت را مشخص می‌کرد. پس از این رأی، این پرسش مطرح شد که تکلیف قراردادهایی که پیش از ابطال مصوبه میان خودروسازان و مشتریان منعقد شده‌اند چه خواهد بود. ابهام ایجاد شده می‌توانست خریداران خودرو را با ریسک تغییر شرایط قرارداد پس از پرداخت پیش‌پرداخت مواجه کند. همین مسئله موجب شد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دستور رئیس دیوان، به صورت فوق‌العاده تشکیل جلسه دهد تا درباره آثار زمانی رأی ابطال تصمیم‌گیری کند. حالا هیأت عمومی دیوان با اعمال ماده ۹۱ قانون دیوان عدالت اداری اعلام کرد که ابطال مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت شامل قراردادهای منعقد شده پیش از تاریخ ۳۰ تیر ۱۴۰۵ نمی‌شود. به این ترتیب، قراردادهایی که تا پیش از این تاریخ منعقد شده‌اند، همچنان مشمول مقررات و شرایط مصوبه ۴۷۳ خواهند بود. نکته مهم‌تر اینکه بر اساس تصمیم جدید دیوان، خودروسازان مجاز به دخل و تصرف یا تغییر در مفاد قراردادهای منعقد شده بر اساس این مصوبه نیستند؛ بنابراین خریدارانی که پیش از تاریخ تعیین شده اقدام به پیش‌خرید خودرو کرده‌اند، با تغییر یک جانبه مفاد قرارداد از سوی خودروساز مواجه نخواهند شد. تصمیمی که می‌تواند از حقوق خریداران خودرو در برابر تغییرات یک‌طرفه قراردادها صیانت کند.

این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که اختلاف بر سر شیوه قیمت‌گذاری خودروهای پیش‌فروشی، ریسک قابل توجهی را به خریداران تحمیل کرده است. پیش از این، بر اساس مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت، پیش‌پرداخت مشتری متناسب با سهم خود از تورم از افزایش قیمت مصون می‌ماند، اما با تغییر قواعد، این نگرانی شکل گرفته بود که کل بهای خودرو بر اساس قیمت روز تحویل محاسبه شود و در نتیجه، بخش عمده ریسک افزایش قیمت به خریدار منتقل شود. ابهام در قیمت نهایی نیز رفتار متقاضیان را تغییر داده است.

بخشی از مشتریان ترجیح می‌دهند به جای ورود به قراردادهای پیش‌فروش با قیمت نامشخص، خودرو را به صورت نقدی و با قیمت قطعی خریداری کنند تا ریسک افزایش قیمت در آینده را کاهش دهند. اکنون با تصمیم جدید دیوان عدالت اداری، دست‌کم تکلیف قراردادهای گذشته روشن شده است؛ اما برای جلوگیری از تکرار این چالش، سیاست‌گذار باید فرمول قیمت نهایی خودرو و قواعد قراردادهای پیش‌فروش را به صورت شفاف و غیرقابل تفسیر تعیین کند. در غیر این صورت، اختلاف بر سر قیمت، همچنان میان خودروساز و خریدار ادامه خواهد داشت.

نوبیاد از جزئیات توافق نفتی آمریکا و ونزوئلا گزارش می‌دهد؛

غارت نفت ونزوئلا بانسخه «توافق»

درست در روزهایی که عده‌ای در ایران، راه نجات اقتصاد کشور را در تفاهم با آمریکا عنوان می‌کنند، آن سوی دنیا کشوری در حال اجرای کامل همین نسخه، اما با نتیجه‌ای دیگر است. ونزوئلا؛ بزرگ‌ترین دارنده ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان، به‌تازگی قراردادی بلندمدت با آمریکا بسته که براساس آن، عملاً تمام اختیار

ذخایر نفتی خود را واگذار کرده است. فروش ۲۰ درصد از کل تولید نفت به آمریکا آن هم به قیمت تمام‌شده تولید و بدون حتی یک درصد سود و اولویت یافتن آمریکا در خرید ۸۰ درصد باقی‌مانده، برخی از نکات توافق اخیر این دو کشور است که حتی رسانه‌ها و کارشناسان غربی را هم شگفت‌زده کرده است.



نیمای سهیلی

روزنامه نگار

توافق نفتی جدید آمریکا و ونزوئلا، طی روزهای اخیر به یکی از پرسر و صدترین اخبار جهان تبدیل شده است. ترامپ او‌ا‌خ‌ر‌ر‌وز جمعه گذشته اعلام کرد با دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا، به توافقی دست یافته است که براساس آن، آمریکا از طریق «مشارکت با بخش خصوصی» کنترل بیش از ۶۵ میلیارد بشکه نفت این کشور آمریکای جنوبی را در اختیار خواهد گرفت. در وهله اول به نظر می‌رسید این اظهارات ترامپ صرفاً جوسازی تبلیغاتی باشد، اما مرور اخبار رسانه‌های غربی درباره محتوای توافق، نشان می‌دهد ونزوئلا طبق این توافق، عملاً اختیار ذخایر نفتی خود را به آمریکا واگذار کرده و به دوران استعمارزدگی قرون وسطایی بازگشته است.

آمریکا نفت ونزوئلا را به غارت برد

رویتزر روز گذشته در گزارشی نوشت: دو مقام آمریکایی روز دوشنبه هفته جاری به این خبرگزاری گفتند شرکت نفتی آمریکایی شرکای انرژی آبی آمریکای شمالی (North American Blue Energy Partners – NABEP) کنترل برخی از میادین نفتی را که پیش‌تر در اختیار چند شرکت چینی و یک شرکت روسی بود، به دست خواهد گرفت. به گفته این مقامات، این واگذاری بخشی از یک توافق گسترده برای افزایش تولید نفت است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با ونزوئلا اعلام کرده است. این مقامات گفتند: پروژه‌های مذکور در میان ۱۴ قراردادی قرار دارند که اخیراً به شرکت آمریکایی NABEP که از حمایت دولت آمریکا برخوردار است، واگذار شده‌اند. این شرکت پیش‌تر متعلق به هری سرچنت، سرمایه‌دار آمریکایی حوزه نفت بود و اکنون تحت کنترل آلفاندرو بتانکورت، تاجرو ونزوئلایی قرار دارد. بتانکورت در بیانیه‌ای ضمن تأیید این توافق گفت: «ونزوئلا از وفور منابع طبیعی، مردم سخت‌کوش و ظرفیت‌های بالفعل نشده برخوردار است. این معامله این ظرفیت‌ها را آزاد خواهد کرد و منافع بزرگی برای مردم ونزوئلا و آمریکا به همراه خواهد داشت.»

مفت‌بری نفت ونزوئلا در روز روشن

شرکت NABEP اعلام کرد دولت آمریکا حق تملک ۳۵ درصد از سهام شرکت را خواهد داشت. با این حال، این همه ماجرا نیست. یکی از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های این توافق، تقدیم ۲۰ درصد نفت استخراج‌شده به آمریکا تنها به قیمت تمام‌شده است. طبق گزارش رویتزر، دولت

آمریکا از «دسترسی ترجیحی» برای خرید ۲۰ درصد از نفت تولیدی شرکت به قیمت تمام‌شده برخوردار خواهد بود؛ یعنی ونزوئلا ناچار است یک‌پنجم از نفت استخراج‌شده خود را بدون حتی یک درصد سود، به آمریکا تقدیم کند. همچنین کاخ سفید اعلام کرد NABEP به وزارت خارجه آمریکا حق تقدم برای خرید ۸۰ درصد باقی‌مانده تولید شرکت را اعطا کرده است.

اعطای حق حکمرانی نفت ونزوئلا به آمریکا

این توافق به شرکت‌های آمریکایی امکان حضور در برخی از دارایی‌های راهبردی نفتی ونزوئلا را می‌دهد و در عین حال، منافع چین و روسیه را که برای مدت طولانی نقش مهمی در بخش انرژی این کشور داشته‌اند، کنار می‌زند. این توافق همچنین به واشنگتن نقش مستقیمی در تعیین اینکه چه کسی نفت ونزوئلا را تولید و عرضه کند می‌دهد؛ اقدامی که در راستای تلاش دولت ترامپ برای بازطراحی صنعت نفت ونزوئلا و نزدیک‌تر کردن ذخایر عظیم این کشور به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی آمریکا انجام می‌شود.

کاخ سفید افزود که آمریکا همچنین حق و تو در هیئت‌مدیره NABEP و در مورد مدیران این شرکت خواهد داشت و مقرر کرده است که اکثریت اعضای هیئت‌مدیره باید شهروندان آمریکایی باشند. انتظار می‌رود NABEP در مجموع کنترل ۱۷ پروژه در ونزوئلا را در اختیار بگیرد؛ پروژه‌هایی که این شرکت قصد دارد آن‌ها را توسعه دهد و در نهایت از نفت تولیدشده در آن‌ها برای تأمین نفت

آمریکا استفاده کند. همچنین طبق اعلام بلومبرگ، مدیران شرکت‌های نفتی آمریکا طی ماه‌های اخیر به‌طور مستمر با مقام‌های ونزوئلایی و آمریکایی در کاراکاس، هیوستون و واشنگتن دیدار کرده‌اند. دلسی رودریگز نیز اوایل سال جاری قانون جدیدی درباره هیدروکربن‌ها امضا کرد که کنترل دولت بر میادین نفتی کشور را کاهش داده است.

ونزوئلا به مشتری نفت خود تبدیل شد

آلفاندرو ولاسکو، دانشیار تاریخ در دانشگاه نیویورک در گفت‌وگو با بلومبرگ، شرایط کنونی را با مزارع شرکت «یونایتد فروت» (United Fruit) در آمریکای مرکزی در نیمه نخست قرن بیستم مقایسه کرد. این شرکت در آن دوره نفوذ گسترده‌ای بر دولت‌های منطقه پیدا کرده بود؛ نفوذی که اصطلاح «جمهوری موزی» از آن سرچشمه گرفت. برای مثال، حمایت آمریکا از حکومت گواتمالا به اصلاحات دموکراتیک پایان داد و زمینه‌ساز تغییر حکومت و جنگ داخلی شد. او گفت:

مردم ونزوئلا «کاملاً در اختیار سازوکاری قرار گرفته‌اند که دولت آمریکا از طریق این شرکت‌ها تصمیم می‌گیرد به آن‌ها بدهد». به گفته ولاسکو: «ونزوئلا اکنون یک دولت مشتری است».

فراز و فرود صنعت نفت ونزوئلا در طول تاریخ

ونزوئلا در سال ۱۹۲۲ خود را به عنوان یک قدرت نفتی مطرح کرد؛ زمانی که یک شرکت تابعه از آنچه امروز «شل» نامیده می‌شود، چاهی حفر کرد که نفت خام را در نزدیکی دریاچه ماراکایبو تا ارتفاع حدود ۶۰ متر به هوا فوران داد. شرکت‌های تابعه شرکت‌هایی که بعدها در «اکسون‌موبیل» و «شورون» ادغام شدند نیز وارد این کشور شدند و تولید نفت با سرعت زیادی افزایش یافت.

ونزوئلا در پایان دهه ۱۹۲۰ به بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان تبدیل شد. تا دهه ۱۹۴۰، شرکت‌های خارجی حدود ۹۴ درصد نفت این کشور را تولید می‌کردند؛ وضعیتی که به دهه‌ها تنش میان دولت ونزوئلا و سرمایه‌گذاران خصوصی برسر نحوه تقسیم درآمدهای نفتی انجامید. ونزوئلا برای حفظ سهم بیشتری از درآمدهای نفتی خود به یکی از اعضای مؤسس اوپک تبدیل شد و در دهه ۱۹۷۰ صنعت نفت خود را ملی کرد. پس از دوره‌ای از کاهش مستمر تولید، این کشور در دهه ۱۹۹۰ بار دیگر فعالیت شرکت‌های نفتی خارجی را آزاد کرد؛ اما هوگو چاوز، رئیس‌جمهور اسبق ونزوئلا، در اواسط دهه ۲۰۰۰ بار دیگر کنترل میادین نفتی را در دست گرفت و دست آمریکا را از منابع این کشور کوتاه کرد.

قمار ترامپ برای پر کردن مخازن آمریکا با نفت ونزوئلا

ذخایر راهبردی نفت آمریکا در شرایطی به پایین‌ترین سطح خود از نوامبر ۱۹۸۲ رسیده است که دولت دونالد ترامپ اکنون نفت ونزوئلا را به عنوان یکی از منابع اصلی برای بازسازی این ذخایر معرفی کرده است؛ با این حال، بررسی وضعیت تولید نفت ونزوئلا و زیرساخت‌های فرسوده این کشور نشان می‌دهد استفاده از نفت ونزوئلای می‌تواند بخشی از راه‌حل بلندمدت واشنگتن باشد، اما پرکردن سریع مخازف ذخایر راهبردی آمریکا با نفت این کشور با موانع جدی مواجه است. توافق جدید آمریکا و ونزوئلا قرار است زمینه افزایش تولید نفت ونزوئلا را فراهم کند و تولید نفت این کشور را به حدود ۱.۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. اما همین رقم، نخستین نشانه‌ای است که نشان می‌دهد بازسازی سریع موجودی ذخایر راهبردی نفت این کشور با نفت ونزوئلا چندان ساده نیست.



کاهش ذخایر نفت آمریکا به کمترین رقم ۴۴ سال اخیر

طبق داده‌های وزارت انرژی،

ذخایر نفت خام در

«ذخایر راهبردی

نفت آمریکا هفته

گذشته حدود ۳.۱

میلیون بشکه

کاهش یافت و به

۲۸۶.۶ میلیون

بشکه رسید که

پایین‌ترین سطح از

نوامبر ۱۹۸۲ است.

این کاهش ذخایر

بخشی از توافق

ایالات متحده برای

آزادسازی ۱۷۲

میلیون بشکه از

این تأسیسات

است. این ذخایر در

حدود ۴۱۱ میلیون

بشکه بود؛ بنابراین

طی حدود هشت

ماه، بیش از ۱۲۴

میلیون بشکه از

موجودی ذخایر

راهبردی نفت

(SPR) کاسته شده

است. ظرفیت مجاز

ذخیره‌سازی SPR

حدود ۷۱۴ میلیون

بشکه است و

موجودی فعلی به

حدود ۴۰ درصد

این ظرفیت رسیده

است.

نبض اقتصاد

خواب خرگوشی بانک‌ها

وسط میدان مین سایبری

حملات سایبری سال‌های اخیر علیه زیرساخت‌های بانکی کشور نشان داد که اتاق فرمان بانکداری، آسیب‌پذیرتر از تصور مدیران پشت‌میزنشین است. شبکه بانکی به عنوان شریان حیاتی اقتصاد، به‌طور مداوم آماج سنگین‌ترین آفندهای دشمن قرار داشته است. پس از رخدادهای زنجیره‌ای علیه بانک‌هایی چون سپه و پاسارگاد در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در ۲۳ خرداد امسال چهار بانک ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات دچار اختلال گسترده شدند. گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس در صحن علنی، پرده‌از عمق این شکنندگی و بی‌عملی مدیریتی برداشت. این گزارش که دیروز در جلسه مجازی مجلس بررسی شد، نشان می‌دهد که شبکه بانکی طی سال‌های اخیر از نظر توسعه خدمات الکترونیکی شتاب گرفته، اما امنیت، تاب‌آوری و معماری پشتیبان آن، همپای این توسعه حرکت نکرده است.

سختگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در این جلسه گفت: نظام بانکداری الکترونیکی کشور با چهار آسیب‌پذیری ساختاری عمده روبه‌رو است؛ نخست، ریسک تمرکز بالا و وابستگی شدید به خدمات الکترونیک؛ دوم، قدیمی بودن و وابستگی به فناوری‌های خارجی نظیر مین‌فریم‌های آی‌بی‌ام که به دلیل تحریم بدون ضمانت و پشتیبانی تأمین شده‌اند؛ سوم، عدم تغییر رمزهای پیش‌فرض و ناتوانی در جذب و حفظ متخصصان؛ و چهارم، ناهماهنگی در اجرای دستورالعمل‌های پدافند غیرعامل. عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی در این جلسه با بیان اینکه معماری آینده شبکه بانکی باید بر فرض وقوع حمله سایبری طراحی می‌شود، گفت: در سال ۱۴۰۴ از ۶ سامانه شتاب، شاپرک، پایا، ساتا، چکاوک و پل حدود ۲۰۳ میلیارد تراکنش به ارزش بیش از ۲۰۰ هزار همت پردازش شده و در ۵ ماهه ابتدایی سال جاری نیز ۶۰ میلیارد تراکنش به ارزش ۱۳۴ هزار همت ثبت شده است. از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵ حداقل ۵۲ بخشنامه تخصصی ابلاغ و ۲۳ بانک ممیزی شده‌اند. از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون سرویس‌های حاکمیتی بیش از ۱۲۲ هزار بار هدف حمله سایبری قرار گرفتند که مدیریت شدند. حملات اخیر نشان داد سطح تهدید تغییر کرده و معماری آینده شبکه بانکی باید بر فرض وقوع حمله سایبری طراحی شود. سید علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصاد و دارایی نیز گفت: حمله به بانک ملی از حمله سال قبل به بانک سپه گسترده‌تر بود. حمله در واقع به شرکتی که به چهار بانک خدمات می‌داد رخ داد و مستقیماً به بانک مرتبط نمی‌شد. او تأکید کرد:

علیرغم حملات سایبری بسیار زیاد در طول جنگ که بعضاً به ۱۰ هزار مورد در روز نیز می‌رسید، برخی بانک‌ها مقاومت شایان توجهی از خود نشان دادند. با این وجود، برخی از بانک‌ها نیز در انجام بخشی از تکالیف قصور داشتند که با برخورد مقتضی و جدی روبه‌رو شدند. حمیدرضا حاجی بابایی، نایب‌رئیس مجلس نیز تأکید کرد: متأسفانه شواهد موجود و تکرار حملات سایبری به سامانه‌های بانکی طی ماه‌ها و سال‌های اخیر، نشان از عدم آمادگی مؤثر دارد. از سال ۱۳۹۸ خدمات الکترونیکی توسعه یافته اما امنیت همگام با آن ارتقا پیدا نکرده است. بانک مرکزی و وزارت ارتباطات مکلفند ظرف یک ماه گزارش جامعی از انطباق بانک‌ها با الزامات امنیتی ارائه دهند.

حاکم مملکت، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در این جلسه گفت: تاب‌آوری واقعی یعنی شبکه بانکی کشور بتواند در برابر حملات، اختلال یا بحران، خدمات حیاتی خود را با حداقل وقفه حفظ کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به وضعیت پایدار برگردد. او افزود: «امنیت سایبری دیگری انتخاب نیست، بلکه بخشی از زیرساخت‌های امنیت اقتصادی کشور است؛ بنابراین باید از هم‌اکنون برای بدترین سناریوها آماده باشیم. نه اینکه پس از وقوع بحران به دنبال راه‌حل بگردیم. مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز بیان کرد: بیش از ۱۲۰ هزار حمله سایبری در یک سال نشان‌دهنده جنگ همه‌جانبه علیه معیشت مردم است؛ تجهیزات واسطه‌ای بدون پشتیبانی و عدم حفظ متخصصان از چالش‌های اصلی سیستم بانکی است که باید مهار شود. یک واقعیت را نباید کتمان کنیم؛ جنگ وجود دارد و یکی از اهداف دشمن، حمله سایبری و اختلال در زندگی و معیشت مردم است.

یادداشت

صف‌آرایی در دواجلس

محسن پورادفر
روزنامه‌نگار

هم‌زمانی اجلاس سازمان همکاری شانگهای در بیشکک با نشست گروه ۲۰ در آمریکا، تصویری روشن از شکاف عمیقی است که در حال شکل‌گیری در ساختار قدرت جهانی است. از یک سو واشنگتن می‌کوشد همچنان خود را محور اقتصاد و سیاست بین‌الملل معرفی کند و از سوی دیگر چین، روسیه، ایران و دیگر قدرت‌های غیرغربی در حال ساختن شبکه‌ای از همکاری‌ها هستند که پیام اصلی آن، عبور از جهان تک‌قطبی و حرکت به سمت نظمی چندقطبی است.

تصویری که از هم‌زمانی این دواجلس منتشر شد، خود گویای بسیاری از واقعیت‌هاست. در بیشکک، شی جین‌پینگ در کنار روسیه، ایران و دیگر رهبران آسیایی گرد هم آمد تا از تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری یک «نظم چندقطبی» سخن گفته شود. در سوی دیگر، نشست گروه ۲۰ در آمریکا با اختلاف میان واشنگتن و برخی متحدان اروپایی‌اش همراه شد. اختلافاتی که حتی به حضور روسیه و نحوه برخورد با این کشور نیز کشیده شد. همچنین شکاف میان آمریکا و اروپا دیگر صرفاً به اختلافات اقتصادی و تجاری محدود نیست و جنگ آمریکا با ایران این فاصله را عیان‌تر کرد. کشورهای اروپایی نشان دادند که در قبال سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران، دیگر مانند گذشته صرفاً مجری تصمیمات آمریکا نیستند و منافع و محاسبات مستقل خود را دنبال می‌کنند.

به بیان ساده‌تر، در یک سوی این دو تصویر، شرق در حال نمایش شبکه‌ای از شرکا و ظرفیت‌های جدید همکاری است و در سوی دیگر، آمریکا با متحدانی مواجه است که دیگر در بسیاری از پرونده‌ها حاضر نیستند بدون چون و چرا با واشنگتن همراه شوند. البته سازمان همکاری شانگهای را نباید یک پیمان نظامی یا ائتلاف یکپارچه ضدآمریکایی تصور کرد. اعضای این سازمان اختلافات و منافع متفاوتی دارند. هند و چین رقابت‌های خاص خود را دارند و دهلی‌نو حتی در همین اجلاس از مسکو خواست برای پایان جنگ اوکراین تلاش کند.

اما اهمیت شانگهای دقیقاً در همین نکته است. کشورها بدون آنکه الزاماً متحد نظامی یکدیگر باشند، در حال ایجاد سازوکارهایی برای کاهش وابستگی به ساختارهای تحت سلطه غرب هستند. عضویت ایران، روسیه، چین، هند، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی در این چارچوب، نشانه‌ای از تغییر تدریجی مرکز ثقل تعاملات جهانی است.

روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی درباره هم‌زمانی این دو نشست تصریح کرده که این اجتماعات، رقابت بر سر این موضوع را نشان می‌دهد که چه کسی مرحله بعدی نظم جهانی را تعریف خواهد کرد. از نگاه این گزارش، چین می‌کوشد با تکیه بر حمایت «اکثریت جهانی» نقش مرکزی‌تری در نظام بین‌الملل پیدا کند، در حالی که سیاست‌های دولت ترامپ در حال ایجاد تنش با برخی شرکای سنتی واشنگتن است.

به همین دلیل، دواجلس اخیراً باید بیش از آنکه دو نشست جداگانه دانست، دو قاب از یک رقابت بزرگ‌تر دید. رقابت بر سر اینکه قرن جدید همچنان زیر سایه هژمونی آمریکا خواهد بود یا جهان به سمت نظمی خواهد رفت که در آن قدرت میان چند قطب توزیع شده است.

The Washington Post
Democracy Dies in Darkness

Army secretary submits resignation to Trump after repeated clashes with Hegseth

The departure of Dan Driscoll, who at one time was viewed as a potential replacement for the defense secretary, is the latest shake-up at the Pentagon amid the Iran war.

August 31, 2026 at 8:31 p.m. EDT
Today at 8:31 n.m. EDT

6 min

Make us preferred on Google



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

پایان کارشاگرد
ونس در
پنتاگون

اهمیت استعفای دریسکال زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم وی از چهره‌های نزدیک به جی‌دی ونس، معاون ترامپ، بود و مدتی حتی نام او به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی خود هگست مطرح شده بود. یعنی فردی که زمانی می‌توانست جای وزیر جنگ را بگیرد، اکنون خود در نتیجه اختلاف با همان وزیر از پنتاگون خارج می‌شود.

یکی از روشن‌ترین نشانه‌های این آشفتگی در وضعیت ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» بود. ناوی که ماه‌ها در منطقه غرب آسیا مستقر بوده و بیش از ۲۵۰ روز را به‌صورت پیوسته در دریا سپری کرد. خانواده‌های نظامیان مستقر در این ناو از کمبود مواد غذایی و اقلام بهداشتی، خرابی توالت‌ها، مشکلات آب و حتی وضعیت نامناسب حمام‌ها خبر دادند. این بحران البته محدود به لینکلن نماند.

ناوشکن «بن فولد» نیز در ماه ژوئیه چهار روز کامل با قطع برق مواجه شد و خدمه آن در این مدت به آب آشامیدنی، غذای مناسب، توالت فعال و سیستم تهویه دسترسی نداشتند. در نهایت این ناو سوبیک فیلیپین منتقل شود و خدمه نیز در خارج از کشتی اسکان داده شدند.

در نهایت برای کنترل این بحران رسانه‌ای و نظامی، برای لینکلن نیز پس از ماه‌ها مأموریت طاقت‌فرسا، برنامه بازگشت و توقف در تایلند برای استراحت و بازبانی خدمه اعلام شد. واشنگتن پست گزارش داده است که این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که نگرانی‌ها درباره فرسودگی روانی و کمبود تجهیزات و اقلام ضروری در کشتی افزایش یافته بود.

دومینوی پنتاگون به وزیر ارتش رسید

اما بحران در ساختار نظامی آمریکا فقط به وضعیت سربازان و ملوانان محدود نیست. تازه‌ترین ضربه به پنتاگون از داخل ساختمان فرماندهی وارد شده است. دن دریسکال، وزیر ارتش آمریکا، استعفای خود را به دونالد ترامپ داد.

واشنگتن پست گزارش داده است که دریسکال پس از ماه‌ها اختلاف با پیت هگست، وزیر جنگ، در آستانه خروج

آشفته‌گی در اتاق جنگ آمریکا

دومینوی برکناری‌ها
به وزیر ارتش رسید

نشانه‌های آشفتگی در ساختار سیاسی و نظامی واشنگتن یکی پس از دیگری آشکار می‌شود. از ناوهایی که با کمبود غذا، مشکلات بهداشتی، خرابی تجهیزات و فرسودگی روانی خدمه دست‌وپنجه نرم می‌کنند تا پرونده افسرانی که به سیاست‌های دولت ترامپ اعتراض کرده‌اند و اکنون با اتهامات نظامی روبه‌رو هستند. در همین شرایط، استعفای «دن دریسکال»، وزیر ارتش آمریکا پس از ماه‌ها اختلاف با پیت هگست، تازه‌ترین حلقه از زنجیره بحران در پنتاگون است. بحرانی که دامنه آن از فرماندهان ارشد تا بدنه نیروهای نظامی کشیده شده است.

بنابراین استعفای دریسکال را نمی‌توان یک حادثه منفرد دانست. این اتفاق در امتداد مجموعه‌ای از برکناری‌ها، استعفاها و جابه‌جایی‌های کم‌سابقه در بالاترین سطوح نیروهای مسلح آمریکا رخ داده است.

بحران فقط نظامی نیست

این آشفتگی البته به پنتاگون محدود نمانده است. کریستوفر فری، رئیس سابق اف‌بی‌آی، در پایان دوره اول ترامپ از سمت خود استعفا داد. استعفایی که در فضای فشار سیاسی دولت جدید بر اف‌بی‌آی رخ داد.

کریستی نوتم، وزیر امنیت داخلی، نیز توسط ترامپ کنار گذاشته شد و جای خود را به مارک وین مولین داد. برکناری او پس از مجموعه‌ای از جنجال‌ها درباره عملکرد وزارتخانه، عملیات مهاجرتی و نحوه مدیریت بحران‌های امنیتی رخ داد. پم پان‌دی، دادستان کل آمریکا، نیز در پی گزارش‌های ناراضی‌تری ترامپ از عملکرد او، سرعت رسیدگی به پرونده‌های مورد نظر رئیس‌جمهور و نحوه مدیریت اسناد پرونده جفری اپستین کنار گذاشته شد. حتی جو کنت، رئیس مرکز ملی مبارزه با تروریسم و از چهره‌های نزدیک به جریان اول آمریکا، به دلیل مخالفت با جنگ ایران استعفا داد و اعلام کرد نمی‌تواند از ادامه جنگ حمایت کند. این استعفا از آن جهت مهم بود که کنت از نیروهای نزدیک به دولت محسوب می‌شد و اختلاف او از درون همان جریان سیاسی برخاست.

وقتی اعتراض یک افسر هم تحمل نمی‌شود

در کنار این خروج‌ها، پرونده سرگرد جیسون واتسون نیز تصویری دیگر از وضعیت داخلی نیروهای مسلح آمریکا ارائه می‌دهد. واتسون، افسر نیروی هوایی، پس از انتقادهای شدید از ترامپ و حضور علنی در اعتراض مقابل ساختمان کنگره با یونیفرم نظامی، و خطاب کردن ترامپ با عباراتی همچون «حریص، ناآگاه، خودشیفته، دروغگوی بیمارگونه، خائن و بزدل» بازداشت شد.

این تصاویر، بیش از آنکه نشانه یک ارتش منسجم و آرام در بحبوحه جنگ باشد، تصویری از ساختاری است که هم‌زمان با فشار عملیاتی در میدان، با بحران مدیریتی و اختلافات داخلی در واشنگتن دست‌وپنجه نرم می‌کند. بحرانی که حالا دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک اختلاف سیاسی در کاخ سفید دانست و نشانه‌های آن تا عرشه ناوها، اتاق فرماندهان و حتی میان افسران رده میانی ارتش آمریکا رسیده است.

از دولت قرار گرفته است. اختلاف این دو مقام برسر مسائل مختلفی از جمله برکناری فرماندهان ارشد ارتش، تغییرات ساختاری و میزان همراهی دریسکال با تصمیمات هگست تشدید شده بود.

اهمیت این استعفا زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم دریسکال از چهره‌های نزدیک به جی‌دی ونس، معاون ترامپ، بود و مدتی حتی نام او به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی خود هگست مطرح شده بود. یعنی فردی که زمانی می‌توانست جای وزیر جنگ را بگیرد، اکنون خود در نتیجه اختلاف با همان وزیر از پنتاگون خارج می‌شود. پیش از استعفای دریسکال، شان پارتل، سخنگوی ارشد هگست، نیز در محافل داخلی به‌عنوان گزینه احتمالی برای جانشینی او مطرح شده بود. در واقع، اختلاف میان وزیر جنگ و وزیر ارتش فقط یک اختلاف شخصی نبود، بلکه بخشی از کشمکش برسر آینده ساختار فرماندهی ارتش آمریکا بود.

فرماندهانی که یکی پس از دیگری
کنار رفتند

دریسکال نخستین مقام ارشد نظامی نیست که در دوره ترامپ و هگست کنار می‌رود. پیش از او، ژنرال رندی جورج، رئیس ستاد ارتش آمریکا، در اقدامی ناگهانی مجبور به کناره‌گیری شد. هم‌زمان ژنرال دیوید هودنه و سرلشکر ویلیام گرین نیز از سمت‌های خود کنار گذاشته شدند. منابع آمریکایی تصریح کرده‌اند که برای این برکناری‌ها توضیح مشخصی ارائه نشد.

این روند از سال ۲۰۲۵ آغاز شده بود و در زمان جنگ با ایران قوت گرفت. زمانی که ترامپ و هگست، ژنرال چارلز براون، رئیس ستاد مشترک ارتش، دریا سالار لیزا فرانکتی، فرمانده نیروی دریایی، و ژنرال جیمز اسلایف، معاون رئیس ستاد نیروی هوایی، را کنار گذاشتند. همچنین دریا سالار لیندا اف‌اگان، فرمانده گارد ساحلی، و تعدادی از مقام‌های ارشد حقوقی نیروهای مسلح نیز از سمت‌های خود برکنار شدند.

در ادامه، ژنرال جفری کروز، رئیس آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیز از سمت خود برکنار شد. همچنین خروج جان فلان، وزیر نیروی دریایی، حلقه دیگری از این زنجیره بود.

یادداشت

راز علاقه عجیب
پزشکیان به علی‌افپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

یکی از مسائلی که طی هفته‌های اخیر توجه و نگرانی افکار عمومی ایران را به خود جلب کرده، سطح و نوع روابط مسعود پزشکیان و خانواده او با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، است؛ روابطی که صرفاً در چارچوب مناسبات رسمی دودولت باقی نمانده و در مواردی چنان رنگ خانوادگی و شخصی گرفته که با عرف معمول روابط رؤسای جمهور با سران کشورهای دیگر فاصله محسوسی پیدا کرده است.

اگر میزان دیدارها، گفت‌وگوها، اظهارنظرها و ادبیات به‌کاررفته از سوی پزشکیان درباره سران کشورهای مختلف مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گیرد، تصویری که به دست می‌آید قابل تأمل است: باکو و شخص علی‌اف در شمار پررنگ‌ترین طرف‌های ارتباطی رئیس‌جمهور قرار دارند. این مسئله زمانی معنادارتری شود که رفتار اعضای خانواده رئیس‌جمهور نیز به این مجموعه اضافه شود.

برای نمونه، زهرا پزشکیان، دختر رئیس‌جمهور، در اقدامی کم‌سابقه که بدیل دیگری ندارد، تولد همسر رئیس‌جمهور آذربایجان مهربان علیوا را تبریک گفت؛ اقدامی که به دلیل ماهیت خانوادگی آن، اساساً با سطح متعارف مناسبات دیپلماتیک قابل مقایسه نیست. از سوی دیگر، موسوی، معاون تشریفات ریاست جمهوری، نیز اخیراً گفته بود پزشکیان حتی نام فرزندان علی‌اف را می‌داند و تلفنی احوال آنان را جویا می‌شود. مجموعه این نشانه‌ها نشان می‌دهد موضوع صرفاً یک رابطه رسمی میان تهران و باکو نیست.

اوج این رفتار را می‌توان در دیدار اخیر پزشکیان و علی‌اف در حاشیه اجلاس سازمان همکاری شانگهای در بیشکک دید؛ جایی که رئیس‌جمهور ایران برخلاف رویه مرسوم دیدارهای رسمی و برخلاف مشی رهبری شهید در استفاده صرف از زبان فارسی در دیدارها، با علی‌اف به زبان ترکی سخن گفت و نوع زبان بدن و ژست او نیز از سوی منتقدان، خارج از چارچوب متعارف یک ملاقات رسمی ارزیابی شد. این نخستین بار نیز نیست که پزشکیان در مواجهه با علی‌اف چنین رفتار متفاوتی نشان می‌دهد. مشخص نیست پزشکیان چه ویژگی ویژه‌ای در رفتار علی‌اف دیده است که چنین سطحی از اشتیاق برای حفظ و گسترش این رابطه ایجاد کرده است.

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که کارنامه باکو در قبال تهران را مرور کنیم؛ از محدودیت‌های مرزی و مجموعه‌ای از اقدامات تنش‌زا گرفته تا روابط نزدیک با رژیم صهیونیستی و مواضعی که بارها از سوی مقام‌ها و کارشناسان ایرانی ضدایرانی توصیف شده است. حتی درباره نقش احتمالی مسیرهای مرتبط با باکو در پشتیبانی لجستیکی یا عملیاتی حملات هوایی اسرائیل علیه ایران نیز گزارش‌ها و تحلیل‌های متعددی مطرح شده است. باید توجه داشت روابط قومیتی و شخصی، آگاهانه یا ناخواسته، بر ملاحظات ملی اولویت پیدا نکند.

تریبون شرق،
پالس به غرب!

اجلاس شانگهای
باید صحنه
نمایش قدرت
دیپلماسی شرقی
ایران باشد،
اما اظهارات
رئیس‌جمهور
درباره بازگشت
متقابل ایران و
آمریکا به تعهدات،
عملاً این پیام را
مخابره می‌کند که
تهران همچنان
حل مسئله را
در واشنگتن
جست‌وجو
می‌کند. این در
حالی است که
چین و روسیه،
دو ستون اصلی
نظم جدید
جهانی، در کنار
ایران ایستاده‌اند
و آمریکا تلاش
می‌کند همین
پیوند را با فشار
و تحریم از کار
بیندازد.

فرصت شانگهای که در دولت شهید رئیسی برای ایران ایجاد شد تحت الشعاع دیپلماسی التماسی دولت پزشکیان قرار گرفت

میراث دیپلماسی رئیسی

اما دولت پزشکیان بار دیگر گرفتار همان نسخه قدیمی غرب‌گرایی شده است؛ نسخه‌ای که حتی در مهم‌ترین گردهمایی کشورهای غیرغربی نیز به جای فرصت‌سازی برای شرق، چشم به واشنگتن دوخته است

در حالی اجلاس سازمان همکاری شانگهای در حال برگزاری است که ایران می‌توانست از این تریبون برای تثبیت جایگاه خود در نظم نوین جهانی و تعمیق روابط با بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان به خصوص چین استفاده کند



محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

تعمیق روابط راهبردی استفاده کند؛ به‌ویژه چین که یکی از اصلی‌ترین شرکای اقتصادی ایران و از مهم‌ترین ستون‌های مقابله با جنگ اقتصادی آمریکا بر علیه ایران است. در شرایطی که واشنگتن تلاش می‌کند با تحریم و فشار اقتصادی مسیرهای تنفس اقتصاد ایران را محدود کند، توسعه روابط با پکن و مسکو یک ضرورت راهبردی است. چین و روسیه می‌توانند بخش مهمی از ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری، مالی و ترانزیتی مورد نیاز ایران را فعال کنند و اثرگذاری تحریم‌های غرب را کاهش دهند. با این حال، پزشکیان تنها به یک احوال‌پرسی با شی جین‌پینگ بسنده کرد و هیچ دیدار و گفت‌وگو از قبل برنامه‌ریزی شده با بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان در دستور کار دولت غرب‌گرا قرار نداشت.

جریه تلخ دولت روحانی

این نخستین بار نیست که فرصت‌های شرقی سیاست خارجی تحت تأثیر نگاه غرب محور قرار می‌گیرد. در دولت روحانی، بخش بزرگی از ظرفیت سیاست خارجی کشور صرف این تصور شد که گشایش اقتصادی و روابط ایران با جهان، ابتدا باید از مسیر توافق با غرب عبور کند. سال ۲۰۱۵ و همزمان با امضای برجام، بسیاری تصور می‌کردند این توافق درهای همکاری جهانی را به روی ایران باز خواهد کرد؛ اما هم روحانی و ظریف به چین و روسیه بی‌اعتنا بودند و هم تهران در همان مقطع همچنان پشت درهای سازمان همکاری شانگهای باقی ماند.

ایران یک بار در سال ۲۰۰۶ و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ درخواست عضویت رسمی در شانگهای را مطرح کرده بود که به نتیجه نرسید این وضعیت نشان می‌دهد دستگاه دیپلماسی در سال‌هایی که بخش عمده تمرکز خود را بر تنش‌زدایی با غرب گذاشته بود، از ظرفیت کشورهای آسیایی فاصله گرفته بود.

پایان بهانه‌ها در دولت شهید رئیسی

ظریف در سال پایانی دولت دوازدهم در نامه‌ای به مسئولان نظام، FATF را

سازمان همکاری شانگهای در دو دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین نهاد‌های چندجانبه در حال شکل‌گیری در برابر ساختارهای تحت سلطه غرب تبدیل شده است؛ سازمانی که چین، روسیه، هند و کشورهای مهم آسیایی را در کنار یکدیگر قرار داده و در متن تغییرنظم بین‌الملل، وزن قابل توجهی پیدا کرده است.

در چنین بستری، ایران می‌توانست از این تریبون برای تشریح جنایت آمریکا در جنگ تحمیلی اخیر، تبیین ضرورت کاهش وابستگی اقتصاد کشورهای عضو به دلار، گسترش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی و فعال‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی شرق استفاده کند. اما برجسته‌ترین پیام رئیس‌جمهور، نه درباره ظرفیت‌های شرق، بلکه درباره بازگشت احتمالی به تعهدات با واشنگتن بود. مسعود پزشکیان در اجلاس شانگهای در بیشکک قرقیزستان گفت: «به صراحت می‌گویم به محض اینکه آمریکا به تعهدات خود در قبال یادداشت تفاهم بازگردد، ایران نیز فوراً متقابلاً عمل خواهد کرد.»

در شرایطی که ایران درگیر یک جنگ تمام عیار و پیچیده با آمریکا و رژیم صهیونیستی است و یکی از کلیدی‌ترین مسیرهای پیروزی ارتباط با کشورهای غیر غربی است، برجسته کردن آمادگی برای بازگشت متقابل به تفاهم با آمریکا، پیام متفاوتی به افکار عمومی و کشورهای عضو شانگهای مخابره می‌کند.

نمایش علاقه تهران به بازگشت به تفاهم فریب واشنگتن که هنوز پزشکیان و قالیباف فریب بودن آن را قبول نکردند، آن هم در قلب یکی از مهم‌ترین مجامع غیرغربی جهان، می‌تواند اعتبار سیاسی ایران را تضعیف و بخشی از دستاوردهای راهبردی جنگ را کم‌رنگ کند.

حذف چین از دیدار با پزشکیان!

پزشکیان در سفر به بیشکک می‌توانست از حضور در کنار سران چین و روسیه برای

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۲۳ ■

■

یادداشت

۷۷۱ اثر سینمای کودک در صفر قابت

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

با بسته شدن رسمی پرونده ثبت نام در بخش ملی سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، دبیرخانه این رویداد معتبر سینمایی، آمار نهایی و خیره‌کننده‌ای را از مشارکت فیلم‌سازان کشور منتشر کرد. ثبت ۷۷۱ عنوان اثر در بخش ملی، بار دیگر ثابت کرد که سینمای کودک و نوجوان ایران، علیرغم تمامی چالش‌ها و فراز و نشیب‌های اقتصادی و فنی، همچنان یکی از پویاترین و سرزنده‌ترین جریان‌های فرهنگی کشور محسوب می‌شود.

طبق آمارهای دقیق منتشرشده توسط دبیرخانه، ترکیب آثار ارسالی نشان‌دهنده تنوع کم‌نظیر در قالب‌های سینمایی است. سهم ۴۶ فیلم بلند داستانی، در کنار ۲۸۶ عنوان فیلم کوتاه داستانی، ۱۷۶ عنوان پویانمایی کوتاه و ۵۰ مستند، نشان‌دهنده آن است که فیلم‌سازان در همه قالب‌ها به دنبال بازتاب دغدغه‌های نسل جدید هستند. اما شاید شگفت‌انگیزترین آمار این دوره، ارسال ۱۰۷ عنوان فیلم با محوریت «هوش مصنوعی» باشد. حضور پررنگ این تکنولوژی نوظهور در سبد آثار جشنواره، بیانگر ورود نسل جدیدی از فیلم‌سازان به عرصه است که با تلفیق خلاقیت هنری و ابزارهای مدرن دیجیتال، در پی خلق تجربه‌های بصری نوآورانه برای مخاطب کودک و نوجوان هستند. این جهش تکنولوژیک در آثار، جشنواره سی و هشتم را به ویرتینی برای آینده سینمای ایران تبدیل کرده است.

علاوه بر تنوع قالب، آنچه در این دوره از جشنواره بیش از پیش به چشم می‌آید، تعهد به بازنمایی وقایع اجتماعی و تاریخی است. دبیرخانه جشنواره گزارش داده است که ۱۱۷ عنوان از آثار متقاضی، به موضوعات خاصی نظیر روایت «مدرسه شجره طیبه میناب»، «جنگ ۱۲ روزه» و همچنین «جنگ رمضان» اختصاص یافته‌اند. این گرایش فیلم‌سازان به روایت‌های مستند و داستانی از دل تاریخ معاصرو زیست‌بوم‌های محلی، نشان می‌دهد که سینمای کودک دیگر تنها به دنیای فانتزی محدود نمی‌شود و به آینه‌ای برای انعکاس واقعیت‌ها، هویت ملی و حافظه جمعی تبدیل شده است.

اکنون که مهلت ثبت نام به پایان رسیده، هیئت‌های انتخاب کار دشوار و البته خطیری را برای غربالگری این ۷۷۱ اثر آغاز کرده‌اند. تنوع خیره‌کننده در ژانرها، رویکرد به تکنولوژی، آینده‌محور و تمرکز بر مضامین عمیق تاریخی، نویدبخش برگزاری دوره‌ای متفاوت، کیفی و رقابتی در سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان است؛ رویدادی که بار دیگر ثابت کرد بستری زنده برای بیان دغدغه‌های فرهنگی و هنری جامعه است و می‌تواند سکوی پرتابی برای نسل جدید سینماگران باشد. انتظار می‌رود با اعلام لیست نهایی فیلم‌های راه یافته به بخش مسابقه، شور و اشتیاق این رویداد در میان اهالی رسانه و خانواده‌ها دوچندان شود.

تغییر ذائقه مخاطب جهانی و قدرت گرفتن سینمای کره، هند، اسپانیا و آمریکای لاتین

هالیوود دیگر زبان مشترک سینمای جهان نیست

تعیین‌کننده سابق را ندارد. در نیمه نخست ۲۰۲۶، آثار غیرانگلیسی بیش از یک‌سوم کل تماشای نتفلیکس را به خود اختصاص داده‌اند و فیلم‌ها و سریال‌هایی از هند، کره جنوبی، ژاپن، اسپانیا، مکزیک و کشورهای دیگری که زمانی حاشیه سینمای جهان محسوب می‌شدند، حالا میلیون‌ها بیننده جهانی دارند. مسئله، شکست چند فیلم آمریکایی نیست؛ مسئله شکستن انحصار هالیوود است.

اگر بخواهیم بدون تعارف حرف بزنیم، باید بپذیریم که هالیوود دیگر آن هیولای شکست‌ناپذیر سابق نیست؛ هنوز بزرگ است، هنوز پول دارد و هنوز می‌تواند یک فیلم را به گوشه‌وکنار جهان بفرستد، اما دیگر نمی‌تواند برای سلیقه مردم جهان نسخه واحد بیچد. آمارهای تازه سک‌وهای پخش اینترنتی دقیقاً همین تغییر را نشان می‌دهند؛ مخاطب جهانی دیگر الزاماً دنبال فیلم آمریکایی نیست و حتی زبان انگلیسی هم برایش امتیاز



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

بگذارید از یک عدد روشن شروع کنیم تا تصویر دقیق‌تر شود؛ نتفلیکس در گزارش نیمه نخست ۲۰۲۶ اعلام کرده کاربران این سکو بیش از ۹۷ میلیارد ساعت محتوا تماشا کرده‌اند و آثار غیرانگلیسی بیش از یک‌سوم کل تماشا را به خود اختصاص داده‌اند. یعنی دیگر نمی‌توان فیلم و سریال غیرانگلیسی را محتوای خارجی دانست؛ این آثار عملاً وارد جریان اصلی سرگرمی جهان شده‌اند.

هند نمونه روشنی از این تغییر است. فیلم «دهو اندار» با ۳۷ میلیون بازدید در نیمه نخست سال، پربیننده‌ترین فیلم غیرانگلیسی گزارش نتفلیکس بوده است. بعد از آن هم «متهم» با ۱۹ میلیون و «ساخته‌شده در کره» با ۱۸ میلیون بازدید قرار گرفته‌اند. حتی آفریقای جنوبی با فیلم «۱۸۰» به ۳۷ میلیون بازدید رسیده است. این یعنی دیگر صادرات فرهنگی فقط کار هالیوود نیست؛ کشورهای مختلف یاد گرفته‌اند داستان‌های بومی خود را به محصول جهانی تبدیل کنند.

حالا به جدول هفتگی نگاه کنیم؛ جایی که ماجرا حتی عریان‌تر است. در هفته ۱۷ تا ۲۳ اوت، فیلم مکزیک «مواجهه با آل چاپو» با ۱۸ میلیون بازدید صدرنشین فیلم‌های غیرانگلیسی نتفلیکس شد؛ در حالی که فیلم رتبه دوم تنها ۶.۲ میلیون بازدید داشت. یعنی فاصله نراول با نفر دوم تقریباً سه برابر بود.

اما چرا هالیوود در برابر این موج ضعیف‌تر به نظر می‌رسد؟ نخست، پخش اینترنتی دیوار جغرافیا را خراب کرده است. زمانی فیلم کره‌ای، هندی یا مکزیک برای رسیدن به مخاطب آمریکایی باید از جشنواره‌ها، پخش‌کننده‌ها و اکران محدود عبور می‌کرد؛ امروز کافی است مخاطب روی صفحه جست‌وجو کند و فیلم را ببیند. زبان هم دیگر

یادداشت

تئاتر هم از نفوذ آمریکا و اسرائیل در امان نماند

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

چندی پیش بود که بلیت پنج میلیونی جایگاه شاه‌نشین نمایش آرش حسابی در رسانه‌های مختلف حاشیه‌ساز شد و واکنش آن‌ها را برانگیخت. برخی می‌گفتند که با این گران‌سازی‌ها دیگر رفتن به تئاتر برای مردم عادی صرف نمی‌کند، اما در این میان بعضی دیگر سعی در کنکاش دقیق موضوع داشتند و از بازتولید امر فرهنگی به‌وسیله فیلم‌ها و نمایش‌های پرخرج توسط نهاد‌های گوناگون گفتند. اما این تنها فرع قضیه نمایش آرش بود، چون بعد از حمایت صریح «نوید محمدزاده» از فلسطین، دست‌اندرکاران نمایش پرخرج آرش از ادامه همکاری با این بازیگر صرف‌نظر کردند و گفتند که حواشی و مسائل اخلاقی دلیل این تصمیم بوده است! در همین ابتدا باید این سوال را از گردانندگان این نمایش ارگانی پرسید که مگر باقی بازیگران علیه‌السلام هستند که نوید محمدزاده را به‌خاطر حواشی‌ای که تقریباً دیگران نیز با آن همواره دست به‌گیری‌بند قربانی می‌کنید؟ این بازیگر پیش‌تر هم یکی از سلب‌ریتی‌های پرسروصدای فضای مجازی بود، اما هیچ‌یک از کنش‌هایش منجر به حذف‌اواز پروژه‌های سینمایی، تئاتری و پلتفرمی نشد.

مسئله اصلی و اساسی هم دقیقاً همین‌جاست؛ گویا حرف زدن از حقانیت جبهه مقاومت در برابر شیاطین -حتی اگر پروژه‌ای بودن آن به اثبات برسد- باید برای گوینده و کنشگر آنقدر هزینه مادی و معنوی داشته باشد تا وی حرف‌هایش را پس بگیرد، وگرنه توسط مافیای پنهان صنعت کم‌بویه و محدود سرگرمی حذف می‌شود، به‌ویژه آنکه نوید محمدزاده بعد از سال‌ها حاشیه‌پرانی بی‌مورد، برای اولین بار بود که قصد داشت اقدامی ارزشمند و خداپسندانه از خود نشان دهد. چندی پیش هم پرویز پرستویی در مورد جریان ضد ایرانی پهلوی حرف‌هایی زده بود که به‌واسطه رفتارهای فاشیستی مجازی تمام آن‌ها را پس گرفت و حتی با صراحت از طرفداران پسرشاه مخلوع -که بخشی از آن‌ها ربات و چت‌بات هستند- عذرخواهی کرد!

البته محمدزاده تاکنون دست به اقدامی مشابه نزده، اما این پرسش در جای خود مطرح است که چرا بیان حرف‌های حق را به دوش کسانی می‌اندازیم که اساساً پیش از هر کاری سود و زیان مادی آن را می‌سنجند؟ این اشخاص حتی اگر افراد خوب و خوشنامی هم باشند نمی‌توانند تا ابد ادهر خود را به‌عنوان پیک انقلاب اسلامی معرفی کنند، چون همان‌طور که مشاهده می‌کنیم زندگی خرج دارد و حتی مقاطعه‌کاران و کارگزاران فرهنگی نزدیک به ساختار رسمی هم در مواقع لزوم بر ضد منافع ملی دست به اقدام می‌زنند.

مسئله دیگری که در این بین مطرح است، لزوم بازگشت اقتدار به حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی و حسابرسی از گردانندگان نهاد‌های فرهنگی در بزنگاه‌های انجینی است، زیرا وقتی یک نمایش بزرگ و گران‌قیمت با سفارش مستقیم ارگانی خاص تولید می‌شود، دیگر نباید فروش رفتن یا نرفتن بلیت‌های آن اهمیت‌ی برای ایشان داشته باشد، زیرا این آثار برای بازتولید امر فرهنگی به روی صحنه می‌روند، نه کسب منافع مالی، پس می‌شود مانند گذشته از حواشی محمدزاده هم به‌سادگی گذر کرد.



انیمیشن سینمایی «سفینه نجات» به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی محمدامین همدانی، شروعی درخشان را در گیشه سینماهای کشور رقم زد. تازه‌ترین آمار فروش و گزارش رسانه‌های سینمایی حاکی از آن است که این اثر تولیدشده در استودیو «اسکای فریم» و با پخش

شروع طوفانی «سفینه نجات»